آرمان ملّی
armanmeli.ir
سال هشتم
شماره ۲۲۳۶
دوشنبه
۱۴۰۴•۰۸•۰۵
۰۵ جمادی‌الاول ۱۴۴۷ / ۲۷ اکتبر ۲۰۲۵

یادداشت

قدرت و ضد قدرت در آمریکا

سید محمدکاظم سجادپور
تحلیلگر مسائل بین‌الملل

در روز شنبه ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ در بیش از ۲۶۰۰ شهر ایالات متحده، میلیون‌ها نفر دست به تظاهرات علیه سیاست‌های ترامپ زدند. برخی شمار شرکت‌کنندگان را بین ۶ تا ۷ میلیون نفر تخمین می‌زنند. تظاهرات بدون حادثه برگزار شد. شعار محوری این تظاهرات عظیم و کم‌سابقه، «نه به شاه» بود. استعاره‌ای که در آن از رفتار سیاسی ترامپ در بیش از هشت ماه دور دوم، انتقاد شدید شده و برنامه سیاسی او را تغییر ساختار سیاسی آمریکا از جمهوری به پادشاهی قلمداد کرده و در یک کلام، تظاهرات‌کنندگان ترامپ را دیکتاتوری ترسیم کردند که در پی نابودی دموکراسی آمریکایی است. یکی از پلاکاردها بیان می‌داشت که «پادشاهی در ۱۷۷۶ مرد». اشاره به انقلاب مهم آمریکا علیه حاکمیت و سلطنت انگلیس و برقراری جمهوری در آن کشور، حائز اهمیت است. جالب آنکه ترامپ در مصاحبه‌ای در ناکس، به کوتاهی گفت که «من پادشاه نیستم». بی‌تردید این تظاهرات نقطه عطفی در جامعه آمریکاست و درخور توجه می‌باشد. چگونه می‌توان در پرتو تحولات مربوط به دوران دوم ریاست جمهوری ترامپ، این تظاهرات را در منظری جامعه‌شناسانه مورد تجزیه و تحلیل قرار داد؟ در پاسخ باید به «چگونگی اعمال قدرت ریاست جمهوری توسط ترامپ در دور دوم»، به «واکنش‌ها و پاسخ‌های نخبگان و مردم به رفتار سیاسی ترامپ» و سرانجام به «برآیند و نتایج احتمالی» توجه داشت. ذکر این نکته ضروری است که آنچه در داخل آمریکا از نظر سیاسی می‌گذرد، صرفاً در چارچوب داخلی آن کشور محصور نبوده و اثرات عمیق بر رفتار خارجی ایالات متحده دارد و بین سیاست داخلی و رفتار خارجی آمریکا، پیوندی ناگسستنی و همه جانبه وجود دارد. در حدود نه ماهی که از ریاست جمهوری ترامپ در دور دوم می‌گذرد، او، به معنای واقعی کلمه، سیاست در آمریکا را فردی و شخصی کرده است. اغراق نیست اگر گفته شود که هیچ‌گاه در تاریخ معاصر آمریکا، بدین حد، تجمیع قدرت در فرد رئیس جمهور صورت نگرفته است. این تجمیع قدرت فردی حداقل سه ویژگی و شاخصه دارد. اول، تکیه بیش‌ازحد بر «دستورالعمل‌های اجرایی» رئیس جمهور دارد. توضیح آنکه رئیس جمهور آمریکا می‌تواند برای اجرای قانون، با توجه به تشخیص مصلحت عمومی، دستورالعمل‌های اجرایی صادر کند، اما آنچه در دوران ترامپ رخ داد، دستورالعمل‌های اجرایی بیش‌ازحد صادر شده و مهم‌تر آن‌که جایگاه قانون پیدا کرده و در واقع ریاست جمهوری، در موضع قانون‌گذار قرار گرفته است. در برخی از موارد، رئیس جمهور طی یک روز در چند ماه گذشته، چندین دستور اجرایی صادر کرده است. صدور این دستورات اجرایی به معنای افزایش سهم قدرت رئیس جمهور و نادیده گرفته شدن دیگر کنشگران است. این ویژگی قدرت‌گرایی ترامپ، انتصاب وفاداران به شخص او، همراه با تخریب نهادهای بوروکراتیک آمریکاست. مدتی است که نظام بوروکراتیک و کارشناسی آمریکا باید تأییدکننده نظرات و دیدگاه‌های ترامپ باشد و اگر نظر مخالفی بدهند که بنیاد و ریشه کارشناسانه داشته باشد، نه فقط مورد قبول نیست، بلکه پاک‌سازی می‌شوند. این روند، به نیروهای مسلح آمریکا نیز کشیده شده است. ویژگی سوم، نحوه برخورد با مخالفین سیاسی ترامپ در مجموعه و منظومه سیاسی ایالات متحده است. واضحاً با اعلام تنفر و انزجار از دشمنان خود، ترامپ با سیاسی کردن وزارت دادگستری آمریکا، برای آنها تشکیل پرونده داده است. در ادبیات سیاسی معاصر آمریکا، از تسلیحاتی شدن وزارت دادگستری آمریکا سخن گفته می‌شود. بدین معنی که ترامپ، از طریق وزارت دادگستری و امکانی که این وزارتخانه فراهم کرده، به قلع و قمع مخالفین پرداخته است. دو نفر از برجسته‌ترین آنها، جیمز کومی، رئیس سابق اف‌بی‌آی و جان بولتون، مشاور امنیت ملی شخص ترامپ در دور اول است. ولی این موارد منحصر به آن دو نیست. فراتر از آن، ترامپ و تیم او سعی کرده‌اند که آزادی‌های سیاسی و مدنی را کاهش دهند و فضای کنش سیاسی را محدود کنند. در این راستا، ترامپ و همراهان او به جنگ شبکه‌های خبری و همچنین رسانه‌ها رفته‌اند. این مجموعه باعث شده که او را «پادشاه ترامپ» بخوانند و البته با این روند مخالفت‌ها صورت گرفته و در حال صورت گرفتن است. مخالفین ترامپ، متقابلاً اولاً سعی کرده‌اند که از ابزارهای قانونی استفاده کرده و با مراجعه به دادگاه‌ها و بهره‌برداری از ظرفیت‌های حقوقی، مانع اقدامات دیکتاتورگرایانه شوند که آخرین آنها مراجعه به دادگاه برای جلوگیری از ارسال گارد ملی به برخی از ایالت‌هاست. توضیح آنکه ترامپ، به بهانه مبارزه با جرم و جنایت و همچنین اطمینان از روند اخراج مهاجرین غیرقانونی، به ایالت‌هایی که فرمانداران ایالتی از حزب او نیستند، گارد ملی ارسال کرده و می‌خواهد این اقدام را افزایش دهد. مراجعه به دادگاه، یکی از راه‌های مقابله با این اقدام و سایر اقدامات او بوده است. ثانیاً مخالفین، مخصوصاً در این تظاهرات اخیر، با استفاده از بسیج مردم، مخالفت با سیاست‌های او را از حالت حزبی خارج کرده و وجه همگانی می‌دهند. به نظر می‌رسد این نوع تظاهرات به فاصله‌های چندماهه افزایش یابد. برآیند اقدامات ترامپ و البته مخالفین او چندان روشن نیست، اما حداقل دو ویژگی را می‌توان مورد شناسایی و مدنظر قرار داد. اول آنکه دوقطبی شدن جامعه آمریکا ادامه خواهد یافت. طرفداران ترامپ نیز کم نیستند و بسیار تند با مخالفین برخورد می‌کنند. جانسون، رئیس جمهوری خواه مجلس نمایندگان، در مورد تظاهرات اخیر گفت: «این تظاهرات نه ضدترامپ بلکه ضدایالات متحده است.» دوقطبی ادامه خواهد یافت، اما ویژگی دوم، بروز حرکت‌های آونگی در سیاست داخلی آمریکاست. آمریکا از ابتدای تأسیس، بین دو گرایش کلان در اداره جامعه، حرکت‌های آونگی داشته است. احتمال حرکت‌های آونگی، مخصوصاً در انتخابات میان‌دوره‌ای، نباید از نظر دور داشت.

ابوالحسن فیروزآبادی:

ترور فرماندهان نظامی ربطی به واتس‌اپ نداشت

برای بستن و فیلترکردن داوطلب زیاد داریم

خطر امنیتی در کمین ایران است

سیدابوالحسن فیروزآبادی، دبیر پیشین شورای عالی فضای مجازی که سالهاست از مسئولیت در این شورا کنار رفته از تجربه خود در دوره‌ای سخن می‌گوید که تصمیم‌های کلیدی در حوزه اینترنت ایران گرفته شد. اقتصاد نیوز نوشت؛ او در بخشی از این گفت‌وگو، درباره ترور فرماندهان نظامی ایران در جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل تأکید می‌کند که روایت «نفوذ از طریق واتس‌اپ» نادرست است. فیروزآبادی همچنین نسبت به فاصله روزافزون ایران با کشورهای منطقه در حوزه اقتصاد دیجیتال و هوش مصنوعی هشدار می‌دهد. به گفته او، این کشورها درحال جذب گسترده نیروی انسانی هستند و ادامه این روند می‌تواند به «شکست بهمنی» در مهاجرت تکنولوژیست‌های ایرانی منجر شود.

هیچ شبکه اجتماعی معتبری وجود ندارد که فیلتر نباشد

دبیر پیشین شورای عالی فضای مجازی در خصوص اینکه هنوز در لیست تحریم‌های آمریکا است اظهار داشت: علائمی وجود ندارد که از لیست‌هایشان خارج شده باشم. در سایت‌هایشان از طریق اپک بله هستم. وی در خصوص تحریم به واسطه دست داشتن در فیلترینگ و اینکه اگر دوباره به آن سمت بازگردد، آن سیاست‌ها طبیعتا باید دنبال شود یا نه نوع نگاهش متفاوت خواهد بود گفت: فیلترینگ بر عهده مرکز ملی فضای مجازی نیست، مرکز ملی فضای مجازی که دبیرخانه شورای عالی فضای مجازی است، به‌صورت سمبلیک در لیست تحریم‌ها قرار می‌گیرد. رئیس بعدی هم که در مرکز منصوب شد، نه‌تنها تحریم‌های آمریکا بلکه تحریم‌ها اروپا را هم در پرونده‌اش یدک می‌کشد؛ بنابراین این تحریم‌ها جنبه حقوق بشری ندارد و بیشتر بهانه است و شاید پیامی است که می‌خواهند به برخی‌ها برسانند. به پوزیشن حقوقی برمی‌گردد و به شخص برنمی‌گردد. فیروز آبادی بیان کرد: درباره قسمت دوم سؤال باید بگویم که بنده در دوران تصدی در شورای عالی فضای مجازی، هیچ‌گاه از فیلترینگ به‌عنوان بخشی از سیاست‌های جمهوری اسلامی دفاع نکرده‌ام. بله، هر کشوری سطحی از فیلترینگ و مقررات محدودسازی برای سنین مختلف، جنسیت‌ها و گروه‌های مختلف را دارد. تقریباً می‌توان گفت هیچ کشوری در دنیا نیست که سیاست فیلترینگ نداشته باشد. اختلاف در سطح استفاده از فیلترینگ است که به‌تدریج در سال‌های که از سال ۹۷ به بعد جلو آمدیم، متأسفانه شدت فیلترینگ افزایش پیدا کرد. تقریباً الان می‌توان به ضرس قاطع گفت که هیچ شبکه اجتماعی معتبری وجود ندارد که فیلتر نباشد. وی در خصوص اینکه چه شد دایره تنگ‌تر شد بیان کرد: من احساس می‌کنم و در برخی از مصاحبه‌ها هم گفتم که ما برای بستن داوطلب زیاد داریم؛ اما برای باز کردن یا داوطلب نداریم یا قدرتشان به‌اندازه داوطلبانی که می‌روند و تلاش می‌کنند که سایت‌ها بسته شود، نیست. عملاً سایت‌هایی که بسته می‌شوند، امید و مکانیزمی برای باز شدنشان، به‌خصوص سایت‌های معروف وجود ندارد. بعضاً شرط‌هایی گذاشته می‌شود که این شرط‌ها اگر هم محقق شود که بعضی هم محقق شده، سایت مزبور باز نشده است. به‌هرحال این اشکالی است که وجود دارد. بنده اگر مسئولیتی را بپذیرم که البته هیچ میلی ندارم که به مسئولیت قبلی بازگردم، قاعدتاً نسبت به رفع فیلترینگ بعضی از شبکه‌های اجتماعی که برای ایران مفید می‌دانم، تلاش خواهم کرد. من یوتیوب را مثل موتور جستجوی گوگل می‌دانم. چون یک دانشگاه تصویری و یک سکوی اقتصادی است و در حقیقت ما نمی‌توانیم جامعه علمی و عامه مردم کشور را از چنین سکویی محروم کنیم. وی در خصوص صحبت‌هایی که در مورد رفع فیلتر یوتیو بعد از واتساپ میب شد اما عملی نشد اظهار کرد: در حقیقت زمانی که من خودم تصدی‌گری داشتم، برنامه‌ای داشتیم که یوتیوب را برای چند میلیون نفر باز کنیم که متأسفانه این بحث را سیاسی کردند، تحت عنوانی که مرکز ملی به دنبال اینترنت طبقاتی است. من نظر داشتم برای تمام اصحاب رسانه، نخبگان، دانشگاهیان، بازاریان و شرکت‌ها-لیستی داشتیم که به چند میلیون نفر می‌رسید- یوتیوب را باز کنیم که در دولت آقای روحانی همکاری نشد و هم مخالفان دیگر زیاد بودند که باعث نوعی همگرایی میان جناح‌های مختلف سیاسی کشور شد که با اینکار به اسم اینترنت طبقاتی مخالفت شد. وی در این خصوص که دولت آقای پزشکیان واقعاً اراده‌ای برای رفع فیلترینگ دارد یا نه بیان کرد: من در مقام قضاوت نیستم و عضو شورا هم نیستم، اما به نظرم اگر دولت اراده کند، این اقتدار را دارد و نبایستی تعداد اعضای دولتی شورا را ملاک قرار دهیم. تجربه نشان داده شده است که رؤسای جمهور می‌توانند، رئیس مرکز ملی را بر شورا تحمیل کنند یا شورا را قانع کنند که برای دبیری شورا به نظر رئیس دولت رأی مثبت دهند. این کار در زمان آقای روحانی دو بار اتفاق افتاد. در زمان آقای رئیسی هم، سه بار رأی‌گیری کردند تا توانست بنده را عوض کند. در صورتی‌که شورا موافقت نداشت که بنده جایگزین شوم. بنابراین، به نظر من آقای رئیس جمهور می‌تواند مصوبه‌ای بیش از مصوبه باز کردن واتس‌اپ را از شورا بگیرد. وی در خصوص فیلترینگ تلگرام و حواشی پیرامون آن عنوان کرد: من فکر نمی‌کنم این‌گونه باشد. چون اولاً دستور قاضی نیست که قابل انکار یا تغییردادن نباشد و برای آن دستور دوره‌ای موقت بود. ثانیاً شورای عالی فضای مجازی مواردی که در سطح ملی است، بنا به اختیاراتی که مقام معظم رهبری تفویض کردند، فکر می‌کنم این اختیار را دارد که مصوبه‌ای در این زمینه داشته باشد.

سطح فناوری‌مان در کشور وضعیت بدی ندارد

ابوالحسن فیروز آبادی در خصوص در ماجرای ترور فرماندهان نظامی که در جنگ اخیر اتفاق افتاد و عده ای می‌گفتند که این نفوذ، نفوذ انسانی نبود؛ بلکه نفوذ تکنولوژیک بود و از طریق اپلیکیشن‌ها نفوذ اتفاق افتاده است. بیان کرد: من اعتقاد دارم که دلیل موفقیت اسرائیل در انجام این عملیات غافل‌گیرانه که تقریباً به اکثر اهداف خودشان هم توانستند برسند، یکپارچگی اسرائیلی‌ها در سه حوزه بود؛ یکی یکپارچگی نهادی بود که تمام واحدهای نظامی و اطلاعاتی و اداری خودشان را توانستند در یک عملیات جنگی، هماهنگ و یکپارچه کنند و در سطح کلان با نهادهای غربی، یعنی با ناتو و جاهای دیگر هم هماهنگ شدند و توانستند یک عملیات بزرگ را انجام دهند. وی ادامه داد: دوم یکپارچگی فناورانه بود که از انواع فناوری‌ها در این جنگ استفاده شده است. از هواپیماهای رادارگریز گرفته تا تکنولوژی‌های پنهان ارتباطی، تا نفوذ در شبکه‌های مخابراتی تا حمله‌های سایبری و شناختی که در فضای ذهنی ایرانیان تلاش داشتند، فراهم کنند. سومین کار، یکپارچگی عملیاتی بود که بین عوامل انسانی و عوامل فناورانه توانستند یکپارچگی را پیاده کنند. اینکه ما قضیه را فقط به سطح فناوری یا در حد اینکه در یک شبکه مخابراتی یا شبکه مخابراتی نفوذ صورت‌گرفته و بعد این عملیات به وجود آمده است تقلیل دهیم، درست نیست. دبیر پیشین شورای عالی فضای مجازی ابراز کرد: بعضاً افراد موارد بسیار سخیفی مطرح می‌کنند و می‌گفتند از طریق واتس‌اپ این ترورها انجام شده است، اینها حرف‌های سخیفی است که گفته می‌شود. ما واتس‌اپ را در اختیار این آقایان قرار می‌دهیم تا ببینیم می‌توانند چنین عملیاتی را انجام دهند یا نمی‌توانند؟ یا می‌گویند ما هواپیماهای رادارگریز می‌خواهیم، یا ناتو هم همکاری کند و... معتقدم اگر همه این نهادهای نظامی و اطلاعاتی هم با ما همکاری کنند و در سطح عملیات هم بتوانیم یکپارچگی داشته باشیم. اگر این کارها را صورت دهند، بعد شاید واتس‌اپ بتواند کمک کند، اما اینکه واتس‌اپ باعث این ترورها شده به نظر من درست نیست. وی عنوان کرد: اینکه فرماندهان باید از دستگاه‌های اطلاعاتی ویژه استفاده کنند یا پروتکل‌های خاصی برای ارتباطات و استفاده از شبکه‌های کامپیوتری، اطلاعاتی، اطلاع‌رسانی و فرماندهی‌شان استفاده کنند درست است و همین پروتکل با شدت کمتری برای اطرافیانشان و کسانی که با آنها ارتباط مستقیم دارند، باید رعایت شود، در این هیچ بحثی نیست. فیروز آبادی تصریح کرد: به نظر من سطح فناوری‌مان در کشور وضعیت بدی ندارد. وضعیت خوبی دارد، فقط همان بحثی که عرض کردم، توانایی در حکمرانی است که بتواند یکپارچگی نهادی، فناوری و عملیاتی ایجاد کند، این سه کلیدواژه را اگر داشته باشیم، قابل تحقق است.

وی در خصوص کار نکرده یا ناتمامی که در شورای عالی فضای مجازی انجام نداده باشد ابراز کرد: حسرت این است که ما در آن سال‌ها تلاش کردیم که نظر حکومت، نظر حمایتی برای توسعه این فضا در کشور باشد، اما متأسفانه نتوانستیم و این حسرت است و یک فرصت طلایی را از دست دادیم و من معتقدم که با پارادایم شیفت‌ها، جابه‌جایی‌های بزرگ قدرت در دنیا اتفاق می‌افتد و ما در عصری هستیم که پارادایم شیفت داریم و فرصت زیادی هم نمانده و سال ۲۰۳۰ تا ۲۰۳۵ این پنجره بسته می‌شود. تا پایان قرن ۲۱ پیش‌بینی اکثر کسانی که در حوزه آینده‌نگری تخصص دارند، این است که تحولات اساسی صورت می‌گیرد. تحولات اساسی جابجایی قدرت، جانمایی در نقشه قدرت جهانی تا سال ۲۰۳۵ است. ما می‌توانستیم جای خودمان را جابه‌جا کنیم. یعنی آن اهدافی که تعیین کرده بودیم که مقام اول منطقه را داشته باشیم که یکی دو تا مانده به آخر شدیم، این را می‌توانستیم تحقق دهیم و راهش هم توسعه اقتصاد دیجیتال و توسعه فضای مجازی در کشور بود. وی ادامه داد: آن زمان تحریم‌ها شل‌تر بود. ما ۳۰ سال است که در تحریم هستیم، اما آن زمان شل‌تر بود و روز به روز این حلقه تحریم بیشتر می‌شود و اینکه آرزو می‌کنم در بقیه وقتی که مانده، به آن برسیم.

مهدی پازوکی:

دولت حیاط خلوت‌های زیر مجموعه خود را تعطیل کند

یک کارشناس مسائل اقتصادی اظهار داشت: اگر دولت بخواهد کسری بودجه نداشته باشد باید به توازن بین منابع درآمدی خود و مخارج برسد. درآمدهای دولت ما یا مالیات است یا نفت. در شرایطی که ما داریم، درآمدهای نفتی هم کاهش پیدا کرده است. بنابراین دولت باید بودجه جاری خود را بر اساس مالیات تنظیم کند. درواقع به اندازه مالیات، باید بودجه جاری داشته باشد؛ چراکه هر اندازه کم بیاورد مجبور است از پول نفت برداشته و در بودجه جاری هزینه کند. این، درواقع برخلاف برنامه بودجه است چراکه قرار بود از برنامه چهارم به بعد، بودجه جاری، فقط از طریق مالیات تامین شود. طی سالهای اخیر بودجه جاری دولت، به شدت با هزینه های اضافی رو به رو شده است. معاونت اجرایی رئیس جمهور، حدود ۱۲۰۰۰ میلیارد ریال بودجه دارد. بنابراین رئیس جمهوری باید از خود شروع کند. بودجه ای که در ریاست جمهوری و مجلس هزینه می شود توجیهی ندارد. مهدی پازوکی گفت: مگر نه این که آقایان قالیباف و پزشکیان در جلسات سران قوا می نشینند؟ بودجه مجلس شورای اسلامی از ۱۵۵۰ میلیارد تومان در سال ۱۴۰۱ به ۷ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان در سال ۱۴۰۴ رسیده است. چرا باید بودجه مجلس حدودا ۵ برابر شود؟ آیا بودجه سایر دستگاهها نیز همینطور مدیریت شده است؟ این که آقای رئیس جمهور می گوید بودجه بدون کسری خواهیم داشت را درک نمی کنم. احتمال می دهم آقای رئیس جمهور شوخی می کنند. اگر آقای پزشکیان می خواهد اقدامی انجام دهد، بهتر است اول از نهاد خود شروع کند و ردیف های پرخرج و بی حاصل را کاهش دهد. در مجلس نیز به همین وضعیت است. اکنون نمایندگان مجلس از نوعی بیمه تکمیلی ویژه برخوردارند که معلم ها نیستند. آیا این عدالت است؟ چرا باید نمایندگان مجلس از بیمه تکمیلی خاص برخوردار باشند؟ این موضوع درمورد کارکنان نهاد ریاست جمهوری و کارکنان سایر وزارتخانه ها نیز صدق می کند. همه این ها نشان می دهد ما باید مخارج غیرضرور کشور را کاهش دهیم چراکه کشور را گران اداره می کنیم. این اقتصاددان بیان کرد: آقای پزشکیان باید ردپای رانت در کشور را برای کاهش هزینه ها دنبال کند. دولت باید سعی کند در دارایی های خود مولد سازی کند. دولت ایران به لحاظ دارایی یکی از بزرگ ترین دولت های جهان است. سرتاسر دریای خزر در اختیار نهادهای دولتی است و بودجه دریافت می کند. بنابراین فکر می کنم همه این ها شوخی است. به حدی هزینه های غیرضرور پرشمارند که فقط اگر جلوی نصف این هزینه ها گرفته شود، بخش زیادی از مشکلات کشور حل می شود. شلختگی زیادی در بخش مخارج دولت دیده می شود که مصادیق عینی هم دارد. درست است که اقتصاد خراب است اما باید سعی کنیم آن را درست کنیم. یکی دیگر از مشکلات موجود، عدم شفافیت کافی در بودجه است. یکی از ایراداتی که از زمان ریاست جمهوری احمدی نژاد شروع شد، ادغام ردیف های بودجه در کشور است. وی افزود: حیاط خلوت هایی برای سازمان ها و وزارتخانه ها ایجاد شده که باید هرچه زودتر تعطیل شوند. تعداد شرکت ها و موسساتی که صد در صد ورشکسته اند و دولت خرجشان را می دهد بسیار زیاد است. چرا جلوی این ها گرفته نمی شود. بهتر است آقای پزشکیان روی این موضوعات متمرکز شوند.»

گزارش

چالش افزایش قیمت بنزین و ۶ سناریو پیش روی دولت پزشکیان

وقتی «قیمت آب» مترِ سنجش بنزین می‌شود

در روزهایی که بازار ارز و کالا هنوز از نوسان‌های تابستان آرام نگرفته، رئیس جمهور با یک جمله ساده دوباره آتش زیر خاکستر بنزین را زنده کرد: «حتی آب را هم به قیمت بنزین نمی‌دهند». این جمله کوتاه، اگرچه در ظاهر یک مقایسه ساده بود، اما در واقع ترجمه‌ای صریح از تصمیمی است که دیر یا زود باید گرفته شود: اصلاح قیمت بنزین. مسعود پزشکیان با اشاره به اینکه قیمت فعلی سوخت هیچ توجیه اقتصادی ندارد، تلویحاً تأکید کرده است که افزایش قیمت اجتناب‌ناپذیر است، هرچند زمان آن هنوز «معلوم نیست». اقتصاد ۲۴ نوشت؛ در همین فاصله، اما سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس نیز گفت «اصلاً بحث افزایش قیمت بنزین در مجلس مطرح نیست»، اما در همان جمله بعد اضافه کرد که قانون، اختیار اصلاح قیمت را به دولت داده و تصمیم نهایی «تابع شرایط» است. دولت هم در بیانیه‌های متعدد اعلام کرده «برنامه‌ای برای گرانی بنزین ندارد»، ولی هیچ مقام رسمی نگفته که قیمت‌ها تغییر نخواهند کرد. حال به این دوگانگی، اظهارات دو نماینده تندرو مجلس را هم اضافه کنید؛ امیرحسین ثابتی از «نرخ سوم» با ۵۰۰ درصد افزایش گفته و حمید رسایی ادعا کرده که «قیمت بنزین به ۵۵۰۰ تومان می‌رسد». هرچند دولت بلافاصله تکذیب کرد، اما انتشار همین ادعاها کافی بود تا بازار شایعه و نگرانی عمومی جان بگیرد. ماجرا به همین جا ختم نشد. کمی بعد، انتشار مصوبه‌ای از دولت درباره کاهش فاصله قیمت بنزین و گاز CNG و «اصلاح تدریجی قیمت‌ها» نشان داد که احتمالاً تصمیم کلان گرفته شده، فقط هنوز معلوم نیست از چه تاریخی اجرا می‌شود. در این میانه، دولت ساکت نیست، اما صریح هم نیست و همه چیز در هاله‌ای از ابهام پیش می‌رود.

دو نرخی و سهمیه‌بندی

اکنون بنزین در ایران با دو نرخ عرضه می‌شود: ۱۵۰۰ تومان برای بنزین سهمیه‌ای و ۳۰۰۰ تومان برای بنزین آزاد. هر خودرو ماهانه ۶۰ لیتر سهمیه دارد و برای خرید بیشتر باید از نرخ آزاد استفاده کند. این نظام سهمیه‌بندی از آبان ۱۳۹۸ تا امروز تقریباً بدون تغییر باقی مانده؛ همان تصمیمی که در دولت روحانی گرفته شد و با اعتراضات گسترده همراه بود. حال، اما شش سال است که قیمت‌ها ثابت مانده‌اند، اما مصرف به‌شدت افزایش یافته است. گزارش‌های رسمی می‌گویند مصرف روزانه در برخی روزها از ۱۴۰ میلیون لیتر هم فراتر می‌رود. در حالی‌که ظرفیت پالایشگاه‌ها محدود است، افزایش تقاضا باعث شده ایران برای نخستین بار بعد از سال‌ها دوباره واردکننده بنزین شود. به زبان ساده، عرضه و تقاضا با هم نمی‌خوانند و قیمت‌های فعلی نه تنها واقعی نیستند، بلکه دیگر پایدار هم نیستند.

دلیل تردید دولت؟

اکنون، اما دولت پزشکیان در چهار راهی دشواری بر سر مساله قیمت بنزین ایستاده است: از یکسو، تداوم قیمت فعلی، فشار بودجه‌ای و ارزی را تشدید می‌کند. از سوی دیگر، هر تغییر ناگهانی ممکن است به اعتراضات اجتماعی و تورم جدید منجر شود. افزایش بنزین یعنی افزایش کرایه‌ها، رشد قیمت کالاها و بالا رفتن انتظارات تورمی. تجربه آبان ۹۸ هنوز فراموش نشده و کسی نمی‌خواهد دوباره آن را تکرار کند. در سطح اجرایی نیز البته که چالش کم نیست: زیرساخت پرداخت‌های جبرانی، کارت سوخت، سامانه‌های شناسایی دهک‌ها و حتی شیوه اطلاع‌رسانی، همه باید از پیش آماده باشد. به زبان ساده، دولت می‌داند که «باید» اصلاح کند، اما «نمی‌داند چگونه و چه زمانی».

سناریوها و هزینه‌ها

سناریوی اول: حفظ وضع موجود: در این روش حفظ نرخ‌های ۱۵۰۰ و ۳۰۰۰ تومان و ادامه سهمیه‌ها در دستور است. مزیت این سناریو آرامش اجتماعی است، اما به قیمت افزایش واردات، قاچاق و فشار بر بودجه تمام خواهد شد. سناریوی دوم: نرخ سوم وارداتی که ایجاد مسیری برای عرضه بنزین سوپر وارداتی با قیمت واقعی و بدون یارانه در این سناریو پیش‌بینی شده است. در ظاهر نیز تغییری در قیمت‌ها ایجاد نمی‌کند، اما عملاً نظام سه‌نرخی را رسمیت می‌بخشد. اگر نظارت کافی نباشد، ممکن است به رانت و بازار سیاه منجر شود. سناریوی سوم تعدیل تدریجی متناسب با تورم است: اجرای سیاست افزایش سالانه متناسب با نرخ تورم، مشابه الگویی که در دولت اصلاحات آزموده شد را در این مرحله باید لحاظ کرد. این روش شوک‌آور نیست، اما در شرایط تورمی امروز ایران، ممکن است به معنای افزایش‌های مکرر و فرسایشی باشد. سناریوی چهارم آزادسازی مرحله‌ای با جبران نقدی است. افزایش قیمت همراه با پرداخت نقدی یا اعتباری به دهک‌های پایین. این روش از نظر اقتصادی منطقی است، اما اجرای آن پیچیده و پرریسک است. پرداخت‌ها باید به‌موقع و هدفمند باشد، وگرنه نارضایتی اجتماعی شدت می‌گیرد. سناریوی پنجم سهمیه فردمحور و ایجاد بازار ثانویه است. واگذاری سهمیه به هر فرد به جای خودرو و ایجاد بازار خرید و فروش سهمیه. این از نظر عدالت اجتماعی جذاب است، اما به زیرساخت گسترده نیاز دارد و احتمال فساد بالاست. سناریوی ششم نیز تغییر سبد سوخت است. حرکت به سمت استفاده بیشتر از گاز طبیعی فشرده (CNG) و خودروهای کم‌مصرف. این گزینه بلندمدت‌تر است و نیازمند سرمایه‌گذاری در حمل‌ونقل عمومی و نوسازی خودروهاست. در ماجرای بنزین، شاید خود «ابهام» از افزایش قیمت خطرناک‌تر باشد.